

## دو قرینه برای دستیابی به سرچشمه‌های حکمت ایرانیان باستان در سخنان ابن عباس

وحید سبزیان پور

عضو هیئت علمی دانشگاه رازی

wsabzianpoor@yahoo.com

پهلوی این داستان‌ها قبل از ظهور اسلام موجود بوده، ولی بعدها از بین رفته و اثری از آنها در روزگار ما وجود ندارد. به همین سبب بسیاری از مظاهر فرهنگ و ادب ایرانیان باستان با دگرذیسی تبدیل به فرهنگ عربی شده و گذشته این مرز و بوم در پرده غبار و ابهام فرو رفته است. پس از این مقدمه، دو مضمون زیر در سخنان ابن عباس قابل تأمل است:

### شادی در مرگ دشمن

زرین کوب (۱۳۸۴: ۲۱۰) پس از نقل روایتی از انوشروان در گلستان: «کسی مژده آورد پیش انوشروان عادل که خدای تعالی فلان دشمنت برداشت. گفت: هیچ شنیدی که مرا فرو گذاشت.» به نقل از محاضرات راغب، سخنی از ابن عباس نقل کرده است که شباهت به سخن انوشروان دارد. آدر ادامه می‌گوید: «اگر سعدی به این فقره ناظر بوده است قدرتی که در تغییر عبارت و تبیین مراد به خرج داده، بسیار بدیع و در خور تحسین است.» آنچه جای حیرت دارد اینکه زرین کوب بیشتر از آنکه احتمال دهد این سخن از انوشروان نقل شده، احتمال می‌دهد که سعدی با الهام از سخن ابن عباس، این پند را به انوشروان نسبت داده است. از قرآینی که نشان می‌دهد سعدی در نقل سخن انوشروان دخل و تصرفی نکرده است، پندی است که بر تاج او نوشته شده بود: به مرگ دشمن خرم باشید (مستوفی، ۱۳۳۹: ۱۱۹).

کرمی (۱۳۸۸: ۴) منبع این داستان را از تاریخ یعقوبی و مروج الذهب نقل کرده و بدون اشاره به سخن زرین کوب، این احتمال را جایز دانسته که «اصل این ماجرا از آثار ایرانی به زبان عربی رفته باشد و حتی ابن عباس با آگاهی از مضمون این حکایت، آن هشدار را به معاویه داده باشد.» عنصر المعالی در قابوسنامه (۱۳۶۶: ۱۴۸) آورده است: اگر دشمن بر دست تو هلاک شود روا بود اگر شادی کنی، اما اگر به مرگ خویش بمیرد بس شادمانه مباش، ... اما چون دانیم که همه

۲ در این روایت، ابن عباس معاویه را از شادی در مرگ امام حسن (ع) سرزنش کرده است. لازم به ذکر است که یوسفی نیز منبع این حکایت را به نقل از زرین کوب، سخن ابن عباس با استناد به کتاب محاضرات راغب دانسته است. این روایت در منابع مختلف از جمله وفیات الاعیان (ابن خلکان، ۱۹۰۰: ۶۶/۲)، ربیع الابرار (زمخشری، ۱۴۱۲: ۱۳۴/۵)، عقد الفرید (ابن عبدربه، ۱۴۱۰: ۱۱۰/۵)، تذکره حمدونیه (ابن حمدون، ۱۹۹۶: ۲۹۴/۹) و بهجة المجالس (قرطبی، ۱۹۸۱: ۱۰۰/۱) نیز دیده می‌شود.

سجاد آیدنلو (۱۳۹۲: ۴۳-۴۴) نقل کرده است: یکی از مشرکین و اشراف قریش به نام نصر بن حارث، برای مبارزه با دعوت پیامبر اسلام، مردم را در خانه کعبه به شنیدن داستان رستم و اسفندیار فرامی‌خواند. آیدنلو در کنار این روایت تاریخی، سند دیگری یافته است که ابن عباس، عموی پیامبر، هم از داستان‌های ایرانی خبر داشته و ایرانیان جزئیات آنها را از او می‌پرسیدند. آیدنلو از دو روایت بالا به نتایج زیر رسیده است:

۱. برخلاف پندار برخی متعصبان، داستان‌های ملی و پهلوانی، تباینی بامبانی اعتقادات اسلامی ندارد؛ زیرا ابن عباس، در زمان حیات پیامبر، ابایی از نقل آنها نداشته است. بدیهی است استفاده ستیزه‌جویانه از این داستانها مشمول «لهو الحدیث» می‌شود که در قرآن از آن نهی شده است.

۲. نقل این روایات نشانه جذابیت داستان‌های ایرانی برای عربها بوده است.

۳. نصر بن حارث آن را از متون ایرانی در حیره آموخته بود که نشان‌دهنده شهرت این داستان در ایران قبل از اسلام است. نکته دیگری که باید به نتایج فوق اضافه کرد این که متن

۱ در سیره ابن هشام آمده است: چون پیامبر (ص) در مجلسی می‌نشست و مردمان را ذکر خدای می‌فرمود، نصر بن حارث پس از پیامبر (ص) بر جایش می‌نشست و می‌گفت: ای قوم قریش! سخن من نیکوتر از سخن اوست، نزد من آید تا شما را حدیثی نیکوتر از آن او برخوانم. آنگاه ایشان را از شهریاران فارس و رستم و اسفندیار، حکایت می‌گفت و سپس می‌پرسید: سخن محمد در چه چیز از آن من نیکوتر است؟ (ابن هشام، ۱۹۵۵: ۳۲۰/۱) همچنین نک: (آذرنوش، ۱۳۷۴: ۲۳۹).

شاهان ایرانی نقل کرده باشد.

از مقایسه دو مضمون بالا کورسویی ناچیز به تأثیر فرهنگ و ادب ایرانیان باستان در فرهنگ جاهلی عربی نمایان می‌شود که نشان می‌دهد به سبب از بین رفتن منابع پهلوی بسیاری از جلوه‌های فرهنگ و تمدن ایرانی در ادب عربی به گونه‌ای رنگ باخته که پیدا کردن سرنخ‌های آنها مستلزم تلاش و باریک‌بینی بسیار است. به این امید که با تلاش محققان جوان و پرتلاش در کنار تأثیرپذیری فرهنگ و ادب فارسی از عربی، تأثیر اندیشه‌های ایرانی در ادب عربی نیز مشخص گردد.

### منابع

- آذرنوش، آذرتاش. ۱۳۷۴، راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی، چاپ دوم، تهران: توس.
- آیدنلو، سجاد. ۱۳۹۲، «گواهی دیگر بر شهرت داستان رستم و اسفندیار در عربستان اوایل دوره اسلامی»، گزارش میراث، دوره دوم، سال هفتم، شماره یکم و دوم، فروردین و تیر، ص ۴۳ و ۴۴.
- آبشهی، شهاب‌الدین محمد بن احمد بن منصور أبو الفتح. ۱۴۱۹، المستطرف فی کل فن مستطرف، بیروت: عالم الکتب.
- ابن حمدون، محمد بن الحسن بن محمد بن علی. ۱۹۹۶، التذکرۃ الحمدونیة، تحقیق احسان عباس، بیروت، لبنان، معهد الانماء العربی، الطبعة الأولى.
- ابن خلکان، ابوالعباس شمس‌الدین. ۱۹۰۰، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، تحقیق: احسان عباس، بیروت: دار صادر.
- ابن عبدربه، شهاب‌الدین أحمد. ۱۴۱۰، العقد الفرید، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن هشام، ابو محمد عبدالملک. ۱۹۵۵، السیرة النبویة، تحقیق مصطفی السقا، مصر.
- الراغب الأصفهانی، أبو القاسم الحسین بن محمد. ۱۴۲۰، محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء و البلغاء، بیروت: شركة دار الأرقم بن أبی الأرقم.
- زرنکوب، عبدالحسین. ۱۳۸۴، نه شرقی نه غربی انسانی، مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر. ۱۴۱۲، ربیع الابرار و نصوص الاخیار، بیروت، مؤسسه العلمیة.
- سبزیان پور، وحید. «بازتاب ستم ستیزی ایرانیان باستان در شاهنامه فردوسی»، گزارش میراث، دوره دوم، سال هشتم، شماره پنجم و ششم، آذر - اسفند ۱۳۹۳، ۱۷ - ۲۰.

بخوایم مرد شادمانه نباید بود، چنانکه در دو بیتي من گویم:  
گر مرگ برآورد ز بدخواه تو دود

زان دود چنین شاد چرا گشتی زود

چون مرگ ترا نیز بخواهد فرسود

بر مرگ کسی چه شادمان باید بود

فردوسی در شاهنامه پس از شادی نوش زادر مرگ پدرش

انوشروان می‌گوید:

اگر خود گذر یابی از روز بد

به مرگ کسی شادباشی سزد<sup>۳</sup>

(۱۳۸۶: ۲/۱۴۷۰)

### رابطه ستم شاهان و از میان رفتن برکت در محصولات دامی و کشاورزی

ابشهی (متوفای ۸۵۲) داستان زیر را از ابن عباس نقل کرده است: پادشاهی به شکل ناشناس در بین مردم به بررسی وضعیت آنها می‌پرداخت، به مردی برخورد کرد که گاوش سه برابر گاوهای دیگر شیر داشت، شاه تصمیم گرفت گاو او را غصب کند، فردای آن روز شیر گاو کم شد و مرد گفت: حتما شاه تصمیم به ستم گرفته است. شاه پس از شنیدن سخنان آن مرد، از تصمیم خود بازگشت (۱۴۱۹: ۱۱۴).

این داستان در شاهنامه و مرزبان‌نامه، به بهرام گور، در جوامع الحکایات و اخلاق محسنی به قباد، در راحة الصدور به انوشروان و در روضه خلد به خسرو پرویز نسبت داده شده است<sup>۴</sup> (نک: سبزیان پور، ۱۳۹۳: ۱۷-۲۰). با توجه به کثرت منابع تردیدی نمی‌ماند که ریشه این داستان به ایرانیان باستان باز می‌گردد و از آنجا که ابن عباس آن را به شخص خاصی نسبت نداده و در صحرای عربستان حکومت مستقل و مرکزی وجود نداشته است، بعید نیست که عموی پیامبر<sup>(ص)</sup> این داستان را از

۳ برای اطلاع از رگه‌های بسیار چشمگیر اندیشه‌های ایرانی در قابوسنامه و شاهنامه نک: سبزیان پور، ۱۳۹۰: ۱۶۹۵-۱۷۱۵ و همو، ۱۳۹۲: ۸۷-۱۱۴

۴ راغب اصفهانی (۱۴۲۰: ۱/۲۰۷) نوشته است: پرویز، به صورت ناشناس، مهمان یک زن شد. زن برایش شیر دوشید. پرویز با خود گفت: چقدر شیر این گاو زیاد است، لازم است که مالیات بیشتری بر مردم قرار دهم. پس از این فکر پرویز، زن بلافاصله ناله ای کرد و گفت: شاه قصد ستم کرد. پرویز پرسید: چطور فهمیدی؟ گفت: چون شیر گاو قطع شد. پرویز با شنیدن این سخن تصمیم خود را عوض کرد و پس از آن می‌گفت: «إذا هم الإمام بجور ارتفعت البركة»؛ اگر شاه نیت ستم کند برکت برداشته می‌شود.

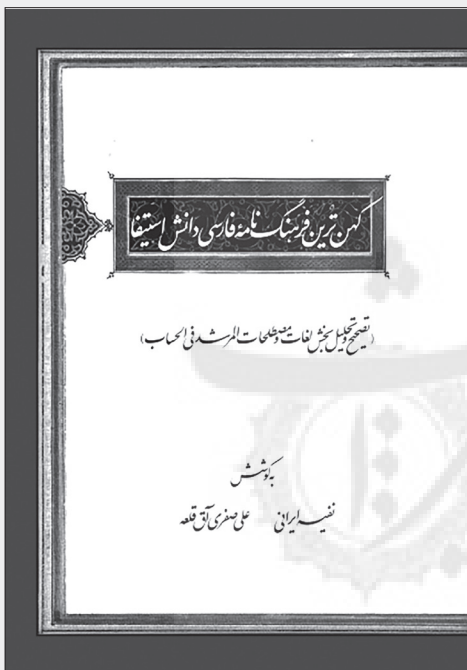
- فردوسی، ابوالقاسم. ۱۳۸۶، شاهنامه، بر مبنای چاپ مسکوک، تهران: هرمس.
- القرطبی، الامام ابو عمر یوسف. ۱۹۸۱، بهجة المجالس و انس المجالس، بیروت، لبنان، دار الکتب العلمیة.
- کرمی، محمدحسین. ۱۳۸۸، «منشأ چهار حکایت و جند بیت شیخ اجل در آثار گذشتگان»، پژوهش‌نامه زبان و ادب فارسی گوهر گویا، سال سوم، شماره سوم (پیاپی ۱۱)، ص ۱-۲۰.
- مستوفی، حمدالله. ۱۳۳۹، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، انتشارات امیرکبیر.

- «بررسی دیدگاه‌های تربیتی ایرانیان باستان در قابوس‌نامه»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال پنجم، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۲، ص ۸۷-۱۱۴.
- «مقایسه حکمت‌های بزرگمهر در شاهنامه و منابع عربی»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی بزرگداشت ابوالقاسم فردوسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۰، ص ۱۶۹۵-۱۷۱۵.
- عنصر المعالی، قابوس بن وشمگیر. ۱۳۶۶، قابوس‌نامه، به اهتمام غلامحسین یوسفی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

### کهن‌ترین فرهنگ‌نامه استیفا

حسن بن علی، قرن ۷ ق، کهن‌ترین فرهنگ‌نامه فارسی دانش استیفا (تصحیح و تحلیل بخش لغات و مصطلحات المرشد فی الحساب)، به کوشش: نفیسه ایرانی و علی صفری آق‌قلعه، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۲۱۴، ۶ ص، شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه، قطع: وزیری، ۱۳۹۴

این فرهنگ‌نامه بخشی از متنی فارسی با نام المرشد فی الحساب (راهنمای محاسبه) است. این اثر در سال ۶۹۱ ق توسط شخصی با نام حسن بن علی برای یکی از بزرگ‌ترین وزیران دوره مغول یعنی صدرالدین احمد خالیدی زنجانی - ملقب به صدر جهان - نگاشته شده است. این وزیر، نخستین بار در زمان ایلخان مغول گیخاتو (حکومت: ۶۹۰ - ۶۹۴ ق) در ذیحجه سال ۶۹۲ ق به منصب وزارت منصوب شد و روشن است که المرشد فی الحساب یک سال پس از آغاز وزارت صدرالدین احمد به وی اهداء شده است. کتاب به آموزش دو موضوع ریاضیات و استیفا اختصاص یافته و لذا متن اثر به دو بخش اصلی با نام‌های «قسم تقریر» (ویژه ریاضیات) و «قسم تحریر» (ویژه استیفا) تقسیم‌بندی شده است. بخشی که در پژوهش کنونی به تصحیح و شرح آن پرداخته شده شامل بیش از یکصد و سی اصطلاح استیفا است که در آغاز «قسم تحریر» درج شده است. در این پژوهش، مصححان نخست به تصحیح این بخش المرشد فی الحساب پرداخته‌اند و سپس در بخشی جداگانه این اصطلاحات را شرح و بررسی کرده‌اند. همچنین اگر در تعاریف هر مدخل - در متن المرشد - اصطلاحات دیگری به کار رفته باشد، در



صورت لزوم به شرح و بررسی آن اصطلاحات نیز پرداخته شده است.

مبنای این پژوهش، نسخه‌ای از این اثر است که به شماره ۲۱۵۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران) نگهداری می‌شود. این نسخه تاریخ کتابت ندارد اما نزدیک به دوره زندگی نویسنده (حدود سده ۷ و ۸ ق) کتابت شده و دستنویسی کم غلط و بسیار ارزشمند است. در مقدمه فارسی به ویژگی‌های متن شناسی، نسخه‌شناسی، نکات زبانی و موارد مرتبط با این پژوهش به صورت گسترده‌تر پرداخته شده است.